

گزارش تحلیلی

لایحه بودجه سال ۱۴۰۵ دولت ایران

از منظر منافع نیروی کار



کنفدراسیون کار ایران - خارج از کشور

۱۰ دی ۱۴۰۴ - ۳۱ دسامبر ۲۰۲۵

خلاصه اجرایی

لایحه بودجه سال ۱۴۰۵ دولت ایران در شرایطی تدوین شده است که اقتصاد کشور با تورم مزمن، سقوط بی‌سابقه ارزش پول ملی، انقباض شدید بودجه واقعی، کسری ساختاری تراز عملیاتی و تعمیق فقر نیروی کار مواجه است. این گزارش نشان می‌دهد که دولت ایران به‌طور آگاهانه و سیستماتیک، بحران مالی خود را از مسیر کاهش واقعی دستمزدها، افزایش فشار مالیاتی بر مزدبگیران، انتقال بار تورم به مصرف‌کنندگان، تضعیف خدمات اجتماعی و تثبیت ناامنی شغلی جبران می‌کند.

افزایش اسمی ۲۰ درصدی حقوق کارکنان و بازنشستگان در حالی پیشنهاد شده که:

- تورم رسمی سالانه تا آذر ۱۴۰۴ به ۴۲.۲ درصد رسیده،
- تورم نقطه‌به‌نقطه ۵۲.۶ درصد گزارش شده،
- و برآوردهای مستقل، تورم واقعی را بیش از ۶۰ تا ۷۰ درصد ارزیابی می‌کنند.

حداقل حقوق پیش‌بینی‌شده در این لایحه (حدود ۱۵/۶ میلیون تومان) کمتر از یک‌سوم هزینه سبد معیشت خانوار کارگری است؛ سبدی که با تداوم تورم و حذف ارز ترجیحی، تا پایان سال ۲۰۲۵ به بیش از ۵۰ میلیون تومان در ماه رسیده است.

هم‌زمان، دولت در این لایحه:

- افزایش ۶۲.۶ درصدی درآمدهای مالیاتی را هدف‌گذاری کرده،
- نرخ مالیات بر ارزش افزوده را از ۱۰ به ۱۲ درصد افزایش داده،
- و فشار اصلی تحقق این درآمدها را بر مزدبگیران و مصرف‌کنندگان نهایی منتقل کرده است.

این سیاست‌ها در بستری اجرا می‌شوند که:

- کسری تراز عملیاتی دولت به حدود ۶۱۶ هزار میلیارد تومان رسیده،
- بخش قابل‌توجهی از این کسری از طریق برداشت از صندوق توسعه ملی، انتشار اوراق بدهی و سازوکارهای تورم‌زا جبران می‌شود،
- و بودجه عمومی کشور از نظر واقعی به میزان ۳۰ تا ۳۵ درصد به نسبت سال‌های پیش منقبض شده و معادل دلاری آن به حدود ۳۷ تا ۴۰ میلیارد دلار کاهش یافته است.

لایحه بودجه ۱۴۰۵ هیچ اقدام مؤثری برای:

- بهبود امنیت شغلی،
- حذف نظام پیمانکاری،
- کاهش بیکاری،
- ارتقای ایمنی محیط کار،
- آموزش و توسعه نیروی کار،
- یا حمایت پایدار از بازنشستگان

ارائه نمی‌دهد. در مقابل، منابع کلان به نهادهای نظامی، امنیتی، شرکت‌های دولتی و نهادهای فرهنگی-مذهبی غیرمولد اختصاص یافته است.

این گزارش نتیجه می‌گیرد که لایحه بودجه ۱۴۰۵ نه حاصل خطای سیاست‌گذاری، بلکه بیانگر انتخابی آگاهانه در جهت تثبیت ساختار طبقاتی، مهار نیروی کار از طریق فقر و ناامنی، و نقض سیستماتیک تعهدات بین‌المللی ایران در حوزه حقوق بنیادین کار است.

مقدمه

کنفدراسیون کار ایران - خارج از کشور، این گزارش را با هدف افشای ماهیت ضدکارگری لایحه بودجه سال ۱۴۰۵ دولت ایران تهیه کرده است. گزارش حاضر بر پایه متن رسمی لایحه بودجه تنظیم شده و مفاد آن با واقعیت‌های اقتصادی، معیشتی و اجتماعی نیروی کار ایران مقایسه می‌شود.

تمرکز این گزارش بر جنبه‌های ضدکارگری لایحه است؛ از جمله:

- افزایش ناکافی دستمزدها،
- فشار مالیاتی بر درآمدهای ناچیز،
- بی‌توجهی به معیشت بازنشستگان،
- ناامنی شغلی و نظام پیمانکاری،
- فقدان ایمنی محیط کار،
- بحران معیشتی معلمان و پرستاران،
- فقدان سیاست‌های کاهش بیکاری و آموزش نیروی کار،
- و تشدید تبعیض علیه زنان، کودکان کار و کارگران مهاجر.

این لایحه در شرایطی تدوین شده که نیروی کار ایران - از کارگران نفت و شهرداری‌ها تا معلمان، پرستاران و کارگران صنعتی - به‌طور مستمر در اعتراض به فقر، تورم، ناامنی شغلی و نقض حقوق بنیادین خود دست به اعتراض زده‌اند. اعتراض بیش از ۴۰ روزه کارگران آلومینیوم اراک در شهریور ۱۴۰۴، اعتصاب کارگران معدن طلای زره‌شوران تکاب در آذر و دی ۱۴۰۴، اعتصاب هزاران کارگر نفت و گاز در عسلویه در دسامبر ۲۰۲۵، و اعتراضات کارگران راه‌آهن در لرستان تنها نمونه‌هایی از صدها حرکت اعتراضی ثبت‌شده‌اند.

حتی آمارهای رسمی دولت - که به دلیل فقدان آزادی رسانه، سرکوب تشکلهای مستقل و منع تحقیق میدانی به‌طور سیستماتیک کمتر از واقعیت گزارش می‌شوند - ناچار به اعتراف به عمق بحران معیشتی هستند.

بستر کلان بودجه: کسری ساختاری و انتقال بحران به نیروی کار

لایحه بودجه سال ۱۴۰۵ باید در بستر کسری مزمن تراز عملیاتی دولت ایران بررسی شود؛ شکافی ساختاری میان درآمدهای پایدار و هزینه‌های جاری که در سال ۱۴۰۵ به حدود ۶۱۶ هزار میلیارد تومان رسیده است. این کسری طی سال‌های اخیر نه از طریق اصلاح ساختار درآمدی دولت، بلکه از مسیر:

- کاهش واقعی دستمزدها،
- افزایش مالیات‌های غیرمستقیم،
- حذف یارانه‌ها،
- برداشت از صندوق توسعه ملی،
- و بدهی‌سازی از طریق انتشار اوراق مالی اسلامی جبران شده است.

در لایحه بودجه ۱۴۰۵ نیز، دولت به جای اخذ مالیات از ثروت، سود، رانت، نهادهای مسلط اقتصادی و شرکت‌های بزرگ شبه‌دولتی، آگاهانه بار بحران را بر دوش نیروی کار و مصرف‌کنندگان منتقل کرده است؛ سیاستی که به تعمیق فقر، گسترش نابرابری و تشدید ناامنی اجتماعی منجر می‌شود.

۱. افزایش حقوق: توهینی آشکار به نیروی کار در برابر تورم افسارگسیخته

لایحه بودجه سال ۱۴۰۵ افزایش حقوق کارکنان دولت، معلمان، پرستاران و بازنشستگان را به طور اسمی ۲۰ درصد تعیین کرده است (مطابق جداول حقوق و مزایا در صفحات ۳۲ و ۳۳ لایحه). این افزایش در شرایطی پیشنهاد می‌شود که شکاف میان دستمزد و هزینه‌های واقعی زندگی به سطحی بی‌سابقه رسیده است.

تصویر عددی شکاف معیشتی

- افزایش اسمی حقوق: ۲۰٪
- تورم رسمی سالانه (آذر ۱۴۰۴): ۴۲.۲٪
- تورم نقطه به نقطه رسمی: ۵۲.۶٪
- تورم خوراکی‌ها (نقطه‌ای): حدود ۷۲٪
- برآورد تورم واقعی (میدانی و مستقل): ۶۰-۷۰٪
- هزینه سبد معیشت خانوار کارگری (پایان ۲۰۲۵): بیش از ۵۰ میلیون تومان
- حداقل حقوق پیش‌بینی‌شده در لایحه: حدود ۱۵/۶ میلیون تومان

این ارقام نشان می‌دهد که حتی با فرض صحت آمارهای رسمی، افزایش ۲۰ درصدی حقوق به معنای کاهش واقعی دستمزدها بین ۲۰ تا ۴۰ درصد است. در عمل، حداقل حقوق تعیین‌شده کمتر از یک سوم هزینه سبد معیشت واقعی است و نیروی کار را به طور ساختاری در وضعیت فقر ننگ می‌دارد.

پیوند بودجه و تعیین دستمزد کارگران مشمول قانون کار

لازم به تأکید است که لایحه بودجه سال ۱۴۰۵ به طور مستقیم دستمزد کارگران مشمول قانون کار را تعیین نمی‌کند و افزایش حقوق پیش‌بینی‌شده در آن، ناظر بر کارکنان شاغل در دستگاه‌های دولتی و عمومی است. با این حال، در ساختار واقعی سیاست‌گذاری دستمزد در ایران، این تفکیک صرفاً صوری است.

حداقل دستمزد کارگران هر سال در شورای عالی کار تعیین می‌شود؛ شورایی که ترکیب آن به شدت دولتی است و فاقد استقلال واقعی از سیاست‌های کلان اقتصادی و بودجه‌ای دولت است. تجربه سال‌های گذشته نشان می‌دهد که افزایش حداقل دستمزد کارگران، عملاً تابعی از افزایش حقوق کارکنان دولت در لایحه بودجه بوده و دامنه آن معمولاً حول همان رقم یا اندکی بالاتر از آن نوسان کرده است.

در نتیجه، افزایش اسمی ۲۰ درصدی حقوق در لایحه بودجه ۱۴۰۵، به طور غیرمستقیم اما تعیین‌کننده، سقف افزایش دستمزد کارگران مشمول قانون کار را نیز مشخص می‌کند. این سازوکار، به معنای تعمیم سیاست کاهش واقعی دستمزدها به کل نیروی کار کشور—اعم از کارمندان و کارگران—و نهادینه‌سازی فقر مزدی در سطحی فراگیر است.

سقوط ارزش ریال و بی‌اثر شدن افزایش اسمی دستمزد

افزایش ناچیز حقوق در بستری رخ می‌دهد که سیاست‌های ارزی دولت، قدرت خرید نیروی کار را به‌طور مضاعف تخریب کرده است:

- نرخ دلار در بازار آزاد تا دی ۱۴۰۴ به حدود ۱۴۰ هزار تومان رسیده،
- نرخ ارز محاسباتی گمرک به حدود ۸۵ هزار تومان افزایش یافته،
- ارز ترجیحی به‌طور کامل حذف شده است.

این تحولات به افزایش شدید قیمت کالاهای اساسی، دارو، مواد غذایی و خدمات عمومی منجر شده و هرگونه افزایش اسمی دستمزد را ظرف ماه‌های ابتدایی سال بی‌اثر می‌کند. در نتیجه، افزایش ۲۰ درصدی حقوق نه سیاست حمایتی، بلکه ابزار تثبیت فقر مزدی است.

اثرات طبقاتی سیاست دستمزدی

- کاهش واقعی دستمزدها به معنای انتقال مستقیم بحران مالی دولت به نیروی کار است.
- شکاف دستمزدی میان نیروی کار و مدیران، نهادهای خاص و بخش‌های رانتی حفظ و حتی تشدید می‌شود.
- فقر شاغلان (working poor) به پدیده‌ای ساختاری بدل می‌گردد.

در این چارچوب، سیاست دستمزدی لایحه بودجه ۱۴۰۵ نه نتیجه خطای محاسباتی، بلکه انتخابی آگاهانه برای مهار نیروی کار از طریق فرسایش معیشتی است.

۲. مالیات بر حقوق و مالیات بر ارزش افزوده: انتقال سازمان یافته بحران به مزدبگیران

لایحه بودجه سال ۱۴۰۵ افزایش ۶۲.۶ درصدی درآمدهای مالیاتی را هدفگذاری کرده است. تحقق چنین افزایشی در شرایط رکود اقتصادی، کاهش تولید و سقوط قدرت خرید، تنها از طریق فشار مستقیم بر مزدبگیران و مصرف‌کنندگان نهایی ممکن است.

سقف معافیت مالیاتی و مالیات بر حقوق

در متن لایحه:

- سقف معافیت مالیاتی حقوق افزایش یافته، اما این افزایش کمتر از نرخ تورم رسمی است،
- به این معنا که در عمل، تعداد بیشتری از مزدبگیران کم‌درآمد وارد دامنه مشمول مالیات می‌شوند،
- مالیات بر حقوق به ابزاری برای جبران کسری بودجه از جیب کارگران و کارکنان بدل می‌شود.

این سیاست به‌ویژه برای کارگران، معلمان و پرستارانی که دریافتی آن‌ها اندکی بالاتر از حداقل حقوق است، فشار مضاعفی ایجاد می‌کند و بخش قابل‌توجهی از افزایش اسمی حقوق را بازپس می‌گیرد.

افزایش مالیات بر ارزش افزوده: مالیات از فقر

لایحه بودجه ۱۴۰۵ نرخ مالیات بر ارزش افزوده را از ۱۰ درصد به ۱۲ درصد افزایش داده است. مالیات بر ارزش افزوده، ذاتاً مالیاتی پس‌رونده است؛ یعنی:

- سهم بیشتری از درآمد اقشار کم‌درآمد را می‌بلعد،
- مستقیماً قیمت کالاها و خدمات مصرفی را افزایش می‌دهد،
- و فشار آن به‌طور نامتناسب بر دوش نیروی کار و فقرا می‌افتد.

در شرایطی که تورم خوراکی‌ها به حدود ۷۲ درصد رسیده، افزایش مالیات به معنای تشدید گرانی مواد غذایی، حمل‌ونقل، انرژی و خدمات پایه است.

غیبت مالیات بر ثروت و رانت

هم‌زمان با افزایش فشار مالیاتی بر مزدبگیران:

- معافیت‌های گسترده برای نهادهای بزرگ، شبه‌دولتی، بنیادها و بخش‌های رانتی حفظ شده،
- مالیات مؤثر بر ثروت، سودهای کلان، رانت‌های ارزی و دارایی‌های بادآورده پیش‌بینی نشده است.

این عدم توازن نشان می‌دهد که سیاست مالیاتی لایحه بودجه ۱۴۰۵ نه با هدف عدالت مالیاتی، بلکه برای انتقال سیستماتیک بحران به پایین‌ترین لایه‌های اجتماعی طراحی شده است.

جمع‌بندی بخش مالیات

- افزایش ۶۲.۶ درصدی درآمد مالیاتی در شرایط رکود، نشانه تشدید فشار بر نیروی کار است.
- افزایش مالیات، مالیات‌گیری مستقیم از فقر و مصرف ضروری است.
- سیاست مالیاتی دولت، مکمل سیاست کاهش واقعی دستمزدهاست و به‌طور هماهنگ عمل می‌کند.

۳. بازنشستگان و صندوق‌های بازنشستگی: تداوم استثمار تا پایان عمر

لایحه بودجه سال ۱۴۰۵ هیچ برنامه ساختاری و پایدار برای بهبود وضعیت معیشتی بازنشستگان ارائه نمی‌دهد و عملاً بحران معیشتی میلیون‌ها بازنشسته را نادیده می‌گیرد. این در حالی است که بخش بزرگی از بازنشستگان کشور زیر خط فقر زندگی می‌کنند و اعتراضات آنان طی سال‌های اخیر به شکلی مستمر ادامه داشته است.

متناسب‌سازی صوری و ناپایدار

در لایحه بودجه:

- منابعی محدود و ناپایدار از محل افزایش مالیات بر ارزش افزوده برای «متناسب‌سازی حقوق بازنشستگان» پیش‌بینی شده است (مطابق ردیف‌های مربوط در صفحه ۱۴ لایحه)،
- این منابع نه متناسب با نرخ تورم‌اند و نه تداوم‌پذیر،
- شکاف عمیق میان حقوق بازنشستگان و هزینه واقعی معیشت را جبران نمی‌کنند.

در عمل، متناسب‌سازی پیش‌بینی‌شده، صرفاً بخشی ناچیز از کاهش قدرت خرید سال‌های اخیر را پوشش می‌دهد و بیشتر جنبه تبلیغاتی دارد تا حمایتی.

بدهی دولت به سازمان تأمین اجتماعی

دولت ایران یکی از بزرگ‌ترین بدهکاران سازمان تأمین اجتماعی است. لایحه بودجه ۱۴۰۵:

- تنها بخشی محدود از بدهی‌های انباشته دولت را به رسمیت می‌شناسد،
- زمان‌بندی مشخص و قابل اتکایی برای تسویه کامل بدهی‌ها ارائه نمی‌دهد،
- پرداخت بدهی‌ها را به روش‌هایی مانند واگذاری دارایی‌ها یا اوراق موکول می‌کند که عملاً فشار را به آینده منتقل می‌سازد.

حتی ارقام رسمی اعلام‌شده نیز نشان‌دهنده بحرانی عمیق در منابع صندوق‌هاست، در حالی که به دلیل نبود شفافیت و نظارت مستقل، برآورد واقعی بدهی‌ها احتمالاً بسیار بالاتر است.

سرکوب مطالبات بازنشستگان

به‌جای پاسخ‌گویی به مطالبات همسان‌سازی واقعی:

- تجمعات بازنشستگان به‌طور مستمر با برخوردهای امنیتی مواجه می‌شود،
- مطالبه معیشت به مسئله‌ای امنیتی بدل شده است.

این رویکرد نشان می‌دهد که دولت، بازنشستگان را نه به‌عنوان صاحبان حق، بلکه به‌عنوان هزینه‌ای قابل مدیریت یا تعلیق در نظر می‌گیرد.

جمع‌بندی

لایحه بودجه ۱۴۰۵، با نادیده‌گرفتن معیشت بازنشستگان و پرداخت بدهی‌های تأمین اجتماعی، استثمار نیروی کار را به دوران پس از بازنشستگی نیز تعمیم می‌دهد. این سیاست، بخشی جدایی‌ناپذیر از نظم ضدکارگری حاکم است.

۴. ناامنی شغلی و تداوم نظام پیمانکاری: تثبیت بی‌ثباتی ساختاری

یکی از محوری‌ترین ویژگی‌های ضدکارگری لایحه بودجه ۱۴۰۵، تداوم و تثبیت نظام پیمانکاری و قراردادهای موقت است. این لایحه هیچ اقدام مشخصی برای حذف پیمانکاری، تبدیل وضعیت کارگران یا افزایش استخدام رسمی پیش‌بینی نکرده است.

فقدان برنامه برای حذف پیمانکاری

در متن لایحه:

- هیچ ردیف بودجه‌ای برای تبدیل وضعیت کارگران قراردادی و پیمانکاری وجود ندارد،
- اعتبارات وزارت تعاون، کار و رفاه اجتماعی به حوزه‌های حاشیه‌ای محدود شده و به مسئله امنیت شغلی نمی‌پردازد.

این در حالی است که حذف پیمانکاران و برقراری رابطه مستقیم میان کارگر و کارفرمای اصلی، یکی از مطالبات محوری کارگران در صنایع نفت، گاز، پتروشیمی، معادن، راه‌آهن و شهرداری‌هاست.

پیامدهای نظام پیمانکاری

- گسترش قراردادهای کوتاه‌مدت و سفیدامضا،
- محرومیت از امنیت شغلی، بیمه کامل و مزایای قانونی،
- تشدید سرکوب مطالبه‌گری و تهدید اخراج،
- کاهش قدرت چانه‌زنی جمعی نیروی کار.

لایحه بودجه ۱۴۰۵ با کاهش استخدام رسمی، گسترش خرید خدمت و واگذاری پروژه‌ها به پیمانکاران، خصوصی‌سازی خاموش و انتقال ریسک به نیروی کار را تعمیق می‌کند.

ناامنی شغلی به مثابه سیاست

در این چارچوب، ناامنی شغلی پیامد ناخواسته سیاست‌های اقتصادی نیست، بلکه ابزار آگاهانه‌ای برای کنترل و پراکنده‌سازی نیروی کار و جلوگیری از سازمان‌یابی مؤثر است.

۵. ایمنی و بهداشت محیط کار: جان کارگران به مثابه هزینه قابل حذف

لایحه بودجه سال ۱۴۰۵ هیچ ردیف مشخص و هدفمندی برای بهبود ایمنی و بهداشت محیط کار در نظر نگرفته است. این در حالی است که ایران یکی از بالاترین نرخ‌های حوادث شغلی در منطقه را دارد.

آمار مرگ و جراحت شغلی

- آمارهای رسمی از حدود ۱۰ هزار مرگ شغلی سالانه حکایت دارند،
- به دلیل گزارش‌دهی ناقص، ترس از اخراج و سرکوب، رقم واقعی احتمالاً به مراتب بالاتر است،
- بخش بزرگی از حوادث در معادن، ساختمان، صنایع سنگین و پروژه‌های پیمانکاری رخ می‌دهد.

تعهدات بین‌المللی نقض شده

دولت ایران در سال ۲۰۲۳ کنوانسیون ۱۵۵ سازمان بین‌المللی کار (ایمنی و بهداشت شغلی) را تصویب کرده است. با این حال:

- هیچ برنامه اجرایی مشخصی در بودجه برای اجرای این کنوانسیون پیش‌بینی نشده،
- بازرسی کار، آموزش ایمنی و تجهیزات حفاظتی عملاً تأمین مالی نمی‌شوند.

معنای بودجه‌ای این بی‌توجهی

نبود بودجه برای ایمنی کار به معنای پذیرش مرگ و آسیب نیروی کار به عنوان هزینه‌ای قابل تحمل برای تداوم تولید و سود است. این رویکرد نقض آشکار تعهدات بین‌المللی ایران و حقوق بنیادین نیروی کار محسوب می‌شود.

۶. معلمان، پرستاران و کادر درمان: استثمار سیستماتیک بخش‌های حیاتی

لایحه بودجه سال ۱۴۰۵ هیچ ردیف مشخص، هدفمند و مستقلی برای بهبود معیشت معلمان، پرستاران و کادر درمان در نظر نگرفته است. اعتبارات عمومی وزارت آموزش و پرورش و وزارت بهداشت عمدتاً صرف هزینه‌های جاری و اداری می‌شوند و تمرکز مؤثری بر نیروی انسانی ندارند.

معلمان

- حقوق بخش بزرگی از معلمان، حتی پس از اعمال افزایش اسمی، زیر خط فقر قرار دارد.
- طرح رتبه‌بندی معلمان همچنان با کسری منابع، اجرای ناقص و تبعیض‌آمیز مواجه است.
- لایحه بودجه پاسخی به مطالبات معلمان درباره امنیت شغلی، کاهش حجم کار و ترمیم واقعی دستمزد نمی‌دهد.

در نتیجه، بحران کمبود نیروی انسانی، مهاجرت شغلی معلمان و افت کیفیت آموزش عمومی تشدید می‌شود.

پرستاران و کادر درمان

- پرستاران با اضافه‌کاری اجباری، تأخیر در پرداخت مطالبات و فرسودگی شدید شغلی مواجه‌اند.
- اجرای ناقص قانون تعرفه‌گذاری خدمات پرستاری همچنان ادامه دارد.
- لایحه بودجه هیچ منبع پایداری برای اجرای کامل این قانون پیش‌بینی نکرده است.

این بی‌توجهی، در شرایطی رخ می‌دهد که نظام سلامت کشور با کمبود شدید نیروی انسانی و فشار کاری مزمن روبه‌روست.

جمع‌بندی

بی‌توجهی به معیشت و شرایط کاری معلمان و پرستاران نشان می‌دهد که حتی بخش‌های حیاتی آموزش و سلامت نیز در اولویت سیاست‌گذاری بودجه‌ای دولت قرار ندارند. این رویکرد، بازتولید بحران‌های اجتماعی و انسانی را تضمین می‌کند.

۷. بیکاری و اشتغال: رهاسازی نیروی کار در فقر و بی‌آیندگی

لایحه بودجه سال ۱۴۰۵ فاقد هرگونه برنامه مشخص، قابل سنجش و تأمین مالی شده برای کاهش بیکاری و ایجاد اشتغال پایدار است.

واقعیت بیکاری

- نرخ بیکاری رسمی حدود ۷ تا ۹ درصد اعلام می‌شود،
- اما بیکاری واقعی، به‌ویژه در میان جوانان، زنان و فارغ‌التحصیلان، به مراتب بالاتر است،
- اشتغال ناقص، قراردادهای موقت و اشتغال غیررسمی بخش بزرگی از بازار کار را تشکیل می‌دهند.

بودجه انقباضی و اثر آن بر اشتغال

- انقباض واقعی بودجه عمومی در حدود ۳۰ تا ۳۵ درصد،
- کاهش معادل دلاری بودجه به حدود ۳۷ تا ۴۰ میلیارد دلار،

به معنای کاهش سرمایه‌گذاری عمومی، رکود عمیق‌تر و از بین رفتن فرصت‌های شغلی است.

اولویت‌های معکوس

در شرایطی که منابع بودجه‌ای به شدت محدود شده‌اند:

- سهم نهادهای نظامی، امنیتی و فرهنگی-مذهبی افزایش یافته،
- هزینه‌های اشتغال‌زا، زیرساختی و اجتماعی قربانی شده‌اند.

این اولویت‌بندی نشان می‌دهد که اشتغال پایدار و آینده نیروی کار، عملاً قربانی ملاحظات سیاسی و امنیتی شده است.

۸. فقدان سرمایه‌گذاری در آموزش و توسعه نیروی کار

لایحه بودجه سال ۱۴۰۵ فاقد ردیف‌های مشخص و مؤثر برای:

- آموزش فنی و حرفه‌ای،
- ارتقای مهارت‌های نیروی کار،
- بازآموزی شغلی در مواجهه با رکود و تغییرات ساختاری اقتصاد است.

پیامدهای این غفلت

- تثبیت نیروی کار در مشاغل کم‌درآمد، ناامن و غیرمولد،
- کاهش توان رقابتی نیروی کار،
- تشدید شکاف مهارتی و طبقاتی.

محروم‌سازی نیروی کار از آموزش، بخشی از سیاست مهار طبقاتی است؛ زیرا نیروی کار فاقد مهارت و سازمان‌یابی، قدرت چانه‌زنی کمتری دارد.

۹. بی‌پاسخ ماندن اعتراضات نیروی کار: سرکوب به جای پاسخ‌گویی

لایحه بودجه ۱۴۰۵ هیچ پاسخی به موج گسترده اعتراضات نیروی کار در بخش‌های مختلف نمی‌دهد؛ از کارگران نفت، گاز و پتروشیمی گرفته تا معلمان، پرستاران، بازنشستگان، کارگران شهرداری‌ها، معادن و راه‌آهن.

الگوی حاکم

- مطالبات معیشتی نادیده گرفته می‌شوند،
- پاسخ اقتصادی جای خود را به برخورد امنیتی می‌دهد،
- بودجه به ابزاری برای مدیریت بحران از طریق فشار و سرکوب بدل می‌شود.

یارانه‌ها و حمایت‌ها عمدتاً به سازوکارهای ناکارآمد، واردات یا نهادهای خاص اختصاص می‌یابند، نه به بهبود مستقیم معیشت نیروی کار.

جمع‌بندی

این لایحه نشان می‌دهد که دولت، به جای پاسخ به ریشه‌های اقتصادی اعتراضات، مسیر کنترل امنیتی را انتخاب کرده است. بودجه ۱۴۰۵ در این معنا، بخشی از سازوکار مهار اجتماعی نیروی کار است.

۱۰. زنان، کودکان کار و کارگران مهاجر: تشدید تبعیض و بهره‌کشی ساختاری

لایحه بودجه سال ۱۴۰۵ هیچ سیاست، ردیف بودجه یا برنامه مشخصی برای مقابله با تبعیض ساختاری علیه زنان کارگر، حذف کار کودک و حمایت از کارگران مهاجر در نظر نگرفته است. این سکوت بودجه‌ای، به معنای پذیرش و بازتولید آگاهانه بهره‌کشی از آسیب‌پذیرترین بخش‌های نیروی کار است.

زنان کارگر

- نرخ بیکاری زنان به‌طور ساختاری بالاتر از مردان است،
- شکاف دستمزدی جنسیتی پابرجاست،
- امنیت شغلی زنان، به‌ویژه در بخش‌های غیررسمی، به شدت پایین است.

لایحه بودجه ۱۴۰۵ هیچ اقدام مشخصی برای:

- رفع تبعیض در استخدام و دستمزد،
- افزایش مشارکت اقتصادی زنان،
- حمایت از زنان سرپرست خانوار شاغل پیش‌بینی نکرده است.

این بی‌توجهی، نقض آشکار کنوانسیون ۱۱۱ سازمان بین‌المللی کار (منع تبعیض در اشتغال و حرفه) است؛ کنوانسیونی که جمهوری اسلامی ایران آن را تصویب کرده اما به‌طور سیستماتیک اجرا نمی‌کند.

کودکان کار

لایحه بودجه ۱۴۰۵ هیچ برنامه‌ای برای حذف کار کودک در نظر نگرفته است. در حالی که:

- آمار رسمی دولت تعداد کودکان کار را به‌طور مصنوعی پایین اعلام می‌کند،
- برآوردهای مستقل از وجود میلیون‌ها کودک کار در ایران حکایت دارند،

کودکان در ایران در بخش‌هایی مانند:

- کشاورزی،
- کارگاه‌های کوچک و زیرزمینی،
- زباله‌گردی،
- مشاغل خیابانی و خطرناک مشغول به کارند؛ اغلب بدون حمایت اجتماعی، آموزش یا نظارت ایمنی.

این وضعیت نقض صریح:

- کنوانسیون ۱۳۸ (حداقل سن کار)
- کنوانسیون ۱۸۲ (بدترین اشکال کار کودک)

است و نشان می‌دهد که کار کودک در نظم اقتصادی موجود، به‌طور عملی پذیرفته شده است.

کارگران مهاجر، به‌ویژه کارگران افغانستانی

کارگران مهاجر، به‌خصوص کارگران افغانستانی، بخش بزرگی از نیروی کار ارزان، فاقد امنیت شغلی و محروم از حقوق برابر را تشکیل می‌دهند. لایحه بودجه ۱۴۰۵:

- هیچ تمهیدی برای بیمه کامل کارگران مهاجر در نظر نگرفته،
- هیچ سیاستی برای تضمین دستمزد برابر و امنیت شغلی ارائه نمی‌دهد،
- وضعیت اقامتی و شغلی مهاجران را در حالت دائمی ناامن نگه می‌دارد.

این وضعیت نقض اصول مندرج در:

- کنوانسیون ۹۷ (کارگران مهاجر)
- کنوانسیون ۱۴۳ (مهاجرت در شرایط سوءاستفاده‌آمیز) سازمان بین‌المللی کار است.

«آنچه لایحه بودجه ۱۴۰۵ به طور آگاهانه و ساختاری از آن سر باز می‌زند»

لایحه بودجه سال ۱۴۰۵ نه صرفاً مجموعه‌ای از حذف‌ها و کم‌توجهی‌ها، بلکه فهرستی منسجم از امتناع‌های آگاهانه و ساختاری است. این لایحه نشان می‌دهد دولت ایران، در شرایط بحران معیشت و اعتراضات گسترده نیروی کار، عامدانه از اقداماتی سر باز زده که می‌توانست حتی حداقلی از فشار اجتماعی را کاهش دهد.

این نقض‌ها در بستری رخ می‌دهند که تشکلیابی مستقل کارگری، آزادی بیان و امکان پیگیری حقوقی در داخل کشور به طور سیستماتیک سرکوب می‌شود؛ بستری که خود پیش‌شرط تحمیل چنین بودجه‌ای است.

فهرست امتناع‌های ساختاری:

■ امتناع از تضمین دستمزدی متناسب با بقا

با تعیین افزایش اسمی ۲۰ درصدی حقوق در برابر تورم ۴۰ تا ۷۰ درصدی، دولت آگاهانه کاهش واقعی دستمزد را می‌پذیرد و فقر مزدی را نهادینه می‌کند.

■ امتناع از هرگونه اقدام مؤثر برای کاهش بیکاری

در شرایط بیکاری توده‌ای پنهان، لایحه هیچ برنامه‌ای برای اشتغال پایدار ارائه نمی‌دهد. بیکاری به ابزار مهار اجتماعی بدل شده است.

■ امتناع از رفع تبعیض ساختاری علیه زنان کارگر

نقض کنوانسیون ۱۱۱ از طریق سکوت بودجه‌ای و فقدان هرگونه سیاست حمایتی.

■ امتناع از لغو و مقابله با کار کودک

نقض کنوانسیون‌های ۱۳۸ و ۱۸۲ از طریق بی‌عملی آگاهانه.

■ امتناع از حمایت از کارگران مهاجر

تداوم بهره‌کشی از نیروی کار مهاجر در نقض کنوانسیون‌های ۹۷ و ۱۴۳.

■ امتناع از حذف نظام پیمانکاری

حفظ ناامنی شغلی به عنوان ابزار کنترل نیروی کار و جلوگیری از سازمان‌یابی.

■ امتناع از تضمین ایمنی و سلامت محیط کار

نقض کنوانسیون ۱۵۵ و پذیرش مرگ هزاران کارگر به عنوان «هزینه تولید».

■ امتناع از تأمین معیشت بازنشستگان و پرداخت بدهی‌های تأمین اجتماعی

تداوم استثمار نیروی کار تا پس از پایان عمر کاری.

■ امتناع بنیادین از به رسمیت شناختن حق تشکل، اتحاد و مذاکره جمعی

نقض سیستماتیک کنوانسیون‌های بنیادین ۸۷ و ۹۸ سازمان بین‌المللی کار؛ کنوانسیون‌هایی که اگرچه از سوی جمهوری اسلامی تصویب نشده‌اند، اما به عنوان کنوانسیون‌های بنیادین، رعایت آن‌ها برای تمام کشورهای عضو ILO الزامی است.

محروم‌سازی کارگران از تشکلهای مستقل، شرط لازم برای تحمیل چنین بودجه‌ای است. در غیاب تشکلیابی آزاد:

- آمار واقعی بیکاری، تورم و فقر پنهان می‌ماند،
- قدرت چانه‌زنی نیروی کار از بین می‌رود،
- و بودجه به ابزاری برای اعمال سلطه طبقاتی بدل می‌شود.

نتیجه گیری نهایی: لایحه بودجه به مثابه سند سیاست ضدکارگری

لایحه بودجه سال ۱۴۰۵ بیان صریح یک انتخاب سیاسی است. انتخابی برای:

- انتقال بحران ساختاری دولت به نیروی کار،
- مهار اعتراضات از طریق فقر، ناامنی و سرکوب،
- و نقض سیستماتیک استانداردهای بنیادین کار.

این لایحه نه حاصل ناتوانی یا خطای سیاست‌گذاری، بلکه ابزار آگاهانه‌ای برای تثبیت نظم طبقاتی موجود است.

ضمیمه تحلیلی

تحولات پسینی در روند تصویب لایحه بودجه ۱۴۰۵:

عقب‌نشینی نمایشی در برابر فشار اجتماعی

در روزهای ۸ و ۹ دی ۱۴۰۴ (۲۹ و ۳۰ دسامبر ۲۰۲۵)، روند بررسی لایحه بودجه سال ۱۴۰۵ با اختلالی کم‌سابقه در درون ساختار رسمی حاکمیت مواجه شد. در تاریخ ۸ دی، کمیسیون تلفیق بودجه مجلس کلیات لایحه را رد کرد و در روز بعد، مجلس شورای اسلامی به‌طور رسمی اعلام کرد که لایحه نیازمند اصلاح است؛ هم‌زمان، دولت نیز ناچار به پذیرش اصلاح بخش افزایش حقوق کارکنان و بازنشستگان شد.

این تحولات، برخلاف روایت رسمی، نه نشانه بازنگری در سیاست‌های ضدکارگری دولت، بلکه بازتابی از نگرانی عمیق حاکمیت نسبت به تشدید نارضایتی اجتماعی و گسترش اعتراضات نیروی کار است. لایحه بودجه ۱۴۰۵، به‌ویژه در بخش دستمزدها، به‌قدری انقباضی و فاصله‌مند از واقعیت معیشت بوده که حتی از منظر خود حاکمیت نیز قابلیت تصویب بی‌هزینه نداشته است.

با این حال، شواهد اقتصادی و ساختاری نشان می‌دهد که اصلاحات اعلام‌شده، در بهترین حالت، به تغییراتی جزئی و صوری در درصد افزایش حقوق محدود خواهد شد. دولت ایران، که با کسری مزمن تراز عملیاتی، سقوط درآمدهای واقعی و ناتوانی در تأمین حتی هزینه‌های جاری خود مواجه است، فاقد توان مالی برای هرگونه ترمیم معنادار دستمزدهاست. در چنین شرایطی، افزایش چنددرصدی حقوق—حتی اگر محقق شود—هیچ تأثیری بر شکاف عمیق میان سطح دستمزدها و هزینه سبد معیشت نخواهد داشت؛ شکافی که نه با «درصد اضافه‌کردن»، بلکه تنها با چندبرابر شدن واقعی دستمزدها قابل جبران است.

از این منظر، اصلاح بخش افزایش حقوق را باید بخشی از یک نمایش سیاسی و تاکتیک خرید زمان تلقی کرد؛ تلاشی برای مهار موقت خشم اجتماعی، فرسایش انرژی اعتراضی و عبور از مقطع حساس تصویب بودجه. این رویکرد، پیش‌تر نیز بارها در مواجهه با اعتراضات معیشتی به کار گرفته شده و هدف آن نه حل بحران، بلکه به تعویق انداختن انفجار اجتماعی است.

مهم‌تر آن‌که، حتی در صورت اعمال اصلاحات جزئی در ارقام دستمزدی، سایر ارکان ضدکارگری لایحه بودجه ۱۴۰۵ بدون تغییر باقی می‌مانند: ساختار مالیاتی پسرورنده، حذف حمایت‌های اجتماعی، تداوم ناامنی شغلی و نظام پیمانکاری، فقدان سرمایه‌گذاری در اشتغال و آموزش، و سرکوب سیستماتیک تشکلیابی مستقل کارگری. به همین دلیل، تحولات اخیر نه نفی‌کننده نقدهای مطرح‌شده در این گزارش، بلکه تأییدی عملی بر صحت آن‌هاست.

در مجموع، واکنش مجلس و دولت به موج نارضایتی اجتماعی نشان می‌دهد که لایحه بودجه ۱۴۰۵ چنان از واقعیت زندگی نیروی کار فاصله گرفته که حتی در درون ساختار قدرت نیز به‌عنوان سندی بالقوه انفجاری ارزیابی شده است. عقب‌نشینی‌های اعلام‌شده، نه تغییر مسیر، بلکه تلاشی برای حفظ وضع موجود از طریق مدیریت بحران و مهار موقت اعتراضات نیروی کار است.

کنفدراسیون کار ایران - خارج از کشور



کنفدراسیون کار ایران - خارج از کشور

وبسایت: iranlc.org

وبسایت خبری: iranlabor.news